

راهبردهای افزایش خلاقیت در دانش‌آموزان

کارشناس ارشد روان‌شناسی
زهرا حاتمی

راهبردهای
روان‌شناختی

دارد (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷).
تفکر خلاق چیست و چرا وجود خلاقیت در دانش‌آموزان مهم است؟ خلاقیت یعنی منحصر به فرد بودن، برخورد با مسائل یا روبه‌رو شدن با زندگی با دیدگاه و نقطه نظر خاص خود، و برخورد با مشکلات زندگی آن‌گونه که هر کس به عنوان یک فرد انتخاب می‌کند. مفهوم لفظی خلاقیت «خلق و ایجاد چیزی جدید» است. اما عکس خلاقیت «ماشینی بودن یا کند ذهن بودن» نیست بلکه تقلید و دنباله‌روی است. دانش‌آموزان وقتی از خلاقیت باز می‌مانند که از آن‌ها بخواهیم کارها را فقط آن‌گونه که آموزش دیده‌اند، انجام دهند (دایر/پناهی، ۱۳۸۴). باید توجه داشت که تفکر خلاق، نوعی تفکر است که می‌تواند از یک چیز عادی یا محصولی جدید به وجود آید. کسی که تفکر خلاق دارد، الزاماً یک فرد استثنایی یا باهوش به معنای خاص آن نیست بلکه کسی است که با کار زیاد، تمرکز فراوان و سخت‌کوشی روی یک مسئله به نتایج جدیدی می‌رسد. به عبارت دیگر، کسی که تفکر خلاق دارد، می‌تواند ذهن خود را بر یک چیز متمرکز کند و آن‌قدر به آن انرژی بدهد، تا واقعیت امر در ذهن او کاملاً روشن شود و مسئله

نظارت و فرمایشی باشد و وقتی مقوله‌های پیچیده‌ی درسی به روش سطحی تدریس شوند، آنان فرصت‌چندانی برای بروز خلاقیت به دست نمی‌آورند.

خلاقیت وقتی در دانش‌آموزان رونق می‌گیرد که آن‌ها برای کشف و بررسی آزمایش و درگیر شدن با فکرهای گوناگون فرصت و شرایط لازم را داشته باشند. دانش‌آموزان برای شکوفاسازی خلاقیت خود به شرایط مناسب نیاز دارند. آن‌چه باعث خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود، یک کلاس پرسش‌گراست جایی که معلم و شاگرد پرسش‌هایی غیر معمول و چالش‌برانگیزی مطرح می‌کنند، جایی که پیوندهای جدید شکل می‌گیرند؛ جایی که فکرها و نظریه‌ها به روش‌های مختلف دیداری، بدنی و کلامی - عرضه می‌شوند؛ جایی که راه‌کارها و راه‌حل‌های تازه‌ای برای مسائل یافت می‌شود و جایی که جلوه‌های اندیشه و عمل قدر و قیمت تعیین‌کننده پیدا می‌کند. این ایده که فکر کردن، راه را برای آموزش بیشتر باز می‌کند، پذیرفته شده است؛ به همین دلیل، از نظر والدین این که فرزندانشان چه می‌آموزند یا چه مطالعه می‌کنند مهم نیست بلکه این که فرزندانشان بیاموزند که چگونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و قضاوت کنند، بسیار اهمیت

کلیدواژه‌ها: تفکر خلاق، دانش‌آموز خلاق، معلم خلاق، تفکر همگرا، تفکر واگرا، تفکر فراشناختی.

مقدمه

مهارت‌های تفکر خلاق، عامل اساسی موفقیت در یادگیری به شمار می‌رود. این مهارت‌های کلیدی باید در همه‌ی موضوع‌های درسی رواج پیدا کنند. رواج دادن تفکر خلاق روشی قدرتمند برای درگیر کردن بچه‌ها با امر یادگیری است. بچه‌هایی که به تفکر خلاق تشویق می‌شوند، روز به روز انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند. هم‌چنین، خلاقیت، مهارت‌های انعطاف‌پذیری را که آنان برای رویارویی با آینده‌ای نامعلوم نیاز دارند، برایشان فراهم می‌سازد. بالا بردن ظرفیت خلاقیت می‌تواند باعث غنای زندگی شود و به مشارکت در ساختن جامعه‌ای بهتر کمک کند. دانش‌آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند اما موانع زیادی ممکن است جلوی خلاقیت را بگیرند. یکی از این موانع شاید تدریس تدافعی معلمان باشد. وقتی شاگردان برای مدت طولانی با توقع اندک و فعالیت ناچیز کار کنند، وقتی ثمره‌ی کارشان تحت

حل شود (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷). هدف اصلی آموزش باید به وجود آوردن افرادی باشد که قابلیت دست‌زدن به فکرها و کارهای تازه را داشته باشند؛ نه این که فقط کرده‌های نسل گذشته را تکرار کنند. اگر قرار است راه‌های تازه برای حل مسائل و مشکلات پیدا کنیم، پرورش خلاقیت در مدارس لازم و ضروری است تا بدین ترتیب فرصتی برای دانش‌آموزان ایجاد گردد تا آن‌ها بگویند، که هستند، چه فکر می‌کنند و چه کارهایی انجام می‌دهند (فیشر و ویلیامز/ چوبینه، ۱۳۸۷).

انواع تفکر خلاق

۱. **تفکر هم‌گرا:** تفکر هم‌گرا همان استدلال یا تفکر منطقی است که به دنبال یک جواب صحیح می‌گردد. این تفکر به فرایندی اشاره دارد که دانش‌آموز بدان وسیله تعداد زیادی حقایق و تداعی‌ها را انتخاب می‌کند و آن‌ها را در ترکیب‌های قابل پیش‌بینی خاصی کنار هم می‌گذارد تا از حاصل آن‌ها یک جواب ممکن و صحیح به‌دست آید.

۲. **تفکر واگرا:** تفکر واگرا نمایان‌گر نوع بسیار باز و آزادتر عمل فکری است که تعداد زیاد تداعی‌ها و راه‌حل‌های ممکن، وجه تمایز آن به شمار می‌رود. تفکر خلاق با تفکر واگرا رابطه‌ی مستقیمی دارد.

۳. **تفکر فراشناختی:** تفکر فراشناختی به معنی اندیشیدن درباره‌ی فرایند اندیشیدن و تفکر است. فراشناخت به آگاهی خود کار یاد گیرنده از دانش و توانایی خود در فهمیدن، کنترل و تسلط بر فرایندهای شناختی اطلاق می‌شود (گالگر/ مهدی‌زاده و رضوانی، ۱۳۷۷).

مکاتب و نظریه‌های خلاقیت

مکاتب مختلف روان‌شناسی از زوایای مختلف به خلاقیت نگریسته‌اند؛

۱. مکتب روان‌کاوی

از دیدگاه روان‌کاوی، خلاقیت در نتیجه‌ی تعارضی است که در ذهن ناخودآگاه یا نهاد ایجاد شده است. در این حالت، ذهن ناخودآگاه می‌کوشد راه‌حلی برای این تعارض پیدا کند. اگر راه‌حل با بخش آگاه یا «خود» هماهنگی داشته باشد، معمولاً راه‌حل، خلاق خواهد بود اما اگر با بخش آگاه در تضاد باشد، احتمالاً به نابهنجاری روانی منجر می‌شود.

۲. دیدگاه رفتارگرایی

طبق این نظریه، ارتباط دو ایده به تفکر منجر می‌شود. وقتی ایده‌ای در ذهن باشد، ایده‌ی مشابه آن نیز به دنبال ایده‌ی یاد شده خواهد آمد، بنابراین، وقتی فرد با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، با تداعی اطلاعات قبلی، که در ذهن دارد، به ایده‌ی تازه برای حل مسئله دست می‌یابد.

۳. مکتب گشتالتی

نظریه‌های اساسی این مکتب پیرامون خلاقیت، این است که تفکر درباره‌ی حل مسئله باید شکل کلی داشته باشد. در نظام آموزشی باید به این امر توجه شود که یاد دهنده یا مدرس، مسئله را به عنوان یک موقعیت کلی ارائه دهد و فراگیرنده نیز برای یافتن جواب، مسئله را در شکل کلی ببیند.

۴. مکتب انسان‌گرایی

انسان‌گرایان خلاقیت را تنها به امور خارق‌العاده نسبت نمی‌دهند و معتقدند که همه‌ی افراد می‌توانند از قوای خلاق خویش

بهره بگیرند. آن‌ها عقیده دارند که خلاقیت نه تنها دستاوردها بلکه فعالیت‌ها، فرایندها و نگرش‌ها را هم دربرمی‌گیرد (میرکمالی، خورشیدی، ۱۳۸۷).

خلاقیت در مدارس

مدرسه‌های خلاق با تمرکز بر پرورش نه تنها دانش و مهارت‌های پایه بلکه نگرش‌ها و مهارت‌های خلاقیت‌آمیزی که زیرساز یک عمر دانش‌اندوزی خواهد بود، شاگردان خلاق‌تری تحویل خواهند داد. چنین مدرسه‌هایی محرک دریافت داده‌های جدید را فراهم می‌سازند (فیشر، ویلیامز/ چوبینه، ۱۳۸۷).

متأسفانه در حال حاضر مدارس ما بیشتر به دنبال «اصل قطعیت» هستند. اصل قطعیت بر این تفکر استوار است که برای هر پرسش تنها یک پاسخ درست وجود دارد و بقیه‌ی پاسخ‌ها غلط‌اند (گالگر؛ ترجمه حمزه، ۱۳۷۳، به نقل از دایر/ پناهی، ۱۳۸۸).

معلمان و به‌طور کلی آموزش و پرورش، درصدد آموزش مطالبی هستند که از نظر آن‌ها پاسخ درست تشخیص داده می‌شود و می‌خواهند مطمئن شوند که غیر از آن‌ها چیز دیگری مطرح نیست. به همین دلیل، آموزش و تدریس امری تجویزی و تحمیلی به شمار می‌آید که در فضایی محدود و بسته مطرح می‌شود و از امکان حرکت و تلاش بسیار می‌کاهد. در نهایت، آموزش به کاری خسته‌کننده مبدل می‌شود. یکی از مشکلات مدارس ما تکیه بر محفوظات است که از نظر سطح آموزشی بیشتر در قلمرو و حیطه‌ی شناختی و در سطوح اول و دوم و

آن‌چه باعث خلاقیت در دانش‌آموزان

می‌شود، یک کلاس پرسش‌گراست جایی که

معلم و شاگرد پرسش‌هایی غیر معمول و

چالش‌برانگیزی مطرح می‌کنند

از نظر والدین این که فرزندانشان چه می آموزند یا چه مطالعه می کنند مهم نیست بلکه این که فرزندانشان پیاموزند که چگونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و قضاوت کنند، بسیار اهمیت دارد

- در کلاس جوی خلاق ایجاد کنید؛ محیطی دارای جو خلاق است که فضایی آزاد داشته باشد.
- اطلاعات لازم در مورد فرایند خلاقیت را به دانش آموزان ارائه دهید؛
- خود یادگیری را تشویق و ارزیابی کنید؛ کنج کاوی افراد موجب «خود یادگیری» آنها می شود؛
- انتقاد سازنده را توسعه دهید؛ باید در نظر داشته باشید که در کنار هر موضوعی که تدریس می شود، باید فرصتهایی برای تقویت و توسعه‌ی عادت و مهارت انتقاد سازنده به وجود آورد.
- در حین تدریس پرسش‌های بحث برانگیز طرح کنید.
- از دانش آموزان بخواهید، مطالب تدریس شده یا موضوعات کتاب را نقد و تجزیه و تحلیل کنند.
- در صورت امکان، از طرح پرسش‌هایی که تنها یک جواب دارند، بپرهیزید.
- گاهی از دانش آموزان بخواهید که خود مسئله را طرح کنند و به پاسخ آن بیندیشند.
- از روش بحث و گفت‌وگو نهایت استفاده را در سر کلاس ببرید.
- به دانش آموزان نشان دهید که کیفیت یادگیری در مقایسه با کمیت آن ارزش بیش‌تری دارد.
- از سؤال‌های عجیب و ظاهراً بی‌ربط دانش آموزان استقبال کنید.
- اگر دانش آموزی به جای درک مطلب به

موجب برانگیختن قوای خلاق دانش آموزان شود. قرار دادن محرکات بصری در کلاس، ترتیب چیدن میزها و صندلی‌ها، وسایل کمک آموزشی براساس نیازهای برنامه‌ی درسی از جمله مواردی هستند که در افزایش خلاقیت دانش آموزان تأثیر گذارند.

ویژگی‌های یک مدرسه‌ی خلاق

- مدرسه‌ی خلاق جایی است که در آن افراد، شاگردان و معلمان:
- با انگیزه‌اند؛
 - هدفمندند و آرمان‌های نهایی و مقصد مشترک دارند؛
 - - آمادگی پذیرش کارهای تازه، نوآوری و کاوش‌گری را دارند؛
 - برای موفقیت اشتیاق پرشور دارند؛ خطر کردن را از وظایف خود می‌دانند و تفاوت‌های فردی را می‌پذیرند (بوزان/ قدس و زاهدی، ۱۳۸۷).
- در زمینه‌ی پرورش خلاقیت در دانش آموزان توجه به سه نکته حائز اهمیت است:
- ۱) موضوعات درسی
 - ۲) روش‌های تدریس
 - ۳) مهارت‌های تفکر واگرا و مواد
- هم‌چنین، در این زمینه، تورنس (۱۹۸۹) (به نقل از میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷) راه کارهایی را برای افزایش خلاقیت در دانش آموزان به معلمان توصیه کرده است.
- تفکر خلاق را با ارزش بدانید: هر مربی در هر مقطع باید به عقاید جدیدی که دانش آموزان طرح می‌کنند، توجه داشته باشد و آنان را تشویق کند تا استعداد خلاقشان را توسعه دهند.
 - دانش آموزان را به محرک‌های محیطی حساس تر کند.
 - دست‌کاری اشیا و عقاید را تشویق کنید؛ مطالعات در تفکر خلاق در افراد نشان داده است که بین درجه‌ی دست‌کاری و کیفیت و کمیت پاسخ‌های ابتکاری هم‌بستگی زیادی وجود دارد (بوزان/ قدس و زاهدی، ۱۳۸۷).

به‌ندرت در سطوح دیگر طبقه‌بندی بلوم قرار می‌گیرد. مدارس و معلمان کم‌تر به افکار و رفتار خلاقانه اهتمام می‌ورزند. اگر فردی حرف‌ها یا ابتکارات غیر معمول و غیر متعارف از خود بروز دهد، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرد بلکه سرزنش نیز می‌شود.

به‌طور کلی، مشکلات مدارس در زمینه‌ی تفکر خلاق را بدین ترتیب می‌توان خلاصه کرد:

- عدم تفکر در امور و مسائل مختلف فردی و اجتماعی
 - فرهنگ سکوت در مقابل اظهار نظرهای معلم
 - تأکید بر تفکر هم‌گرا به جای تفکر واگرا
 - به‌کارگیری روش منفعل به جای روش فعال
 - عدم توجه به روش حل مسئله
 - معلم مداری
 - عدم تکیه بر تفاوت‌های فردی.
- مدرسه و مراکز آموزشی می‌توانند در شکوفایی استعدادهای دانش آموزان نقش حیاتی و تأثیر گذاری ایفا کنند. در حقیقت، مدارس می‌توانند خلاقیت را پرورش دهند. این‌که فرایندهای آموزشی مدرسه مبتنی بر تفکر، تولید فکر، ایده‌پروری و نظریه‌پردازی باشد، در پچه‌ای است که به سوی افزایش خلاقیت گشوده می‌شود. هم‌چنین، روش‌های تدریس معلمان نیز در افزایش خلاقیت دانش آموزان تأثیر به‌سزایی دارد. فرایند یادگیری زمانی بیش‌ترین پیش‌رفت را خواهد داشت که بین دانش آموزان و معلمان و سبک یادگیری آن‌ها هماهنگی کاملی وجود داشته باشد. از آن‌جا که گاهی هماهنگی کامل امکان‌پذیر نیست، معلمان باید از روش‌های تدریس متعددی برای افزایش خلاقیت در دانش آموزان استفاده کنند.
- معلمان نقش تعیین کننده در میزان خلاقیت دانش آموزان دارند اما ساختار کلاس درس هم در این زمینه بی‌تأثیر نیست. فضای کلاسی باید آن‌گونه ترتیب یابد که بتواند



لازمه‌ی خلاقیت ریسک کردن و بررسی راه‌های مختلف است اما زمانی که ترس از شکست خوردن از طرف معلمان به دانش‌آموزان القا شود، میزان خلاقیت در آن‌ها کاهش می‌یابد

حفظ آن پرداخت، بی‌اعتنایی کنید و زمانی که مطلب را درک کرد، او را تشویق کنید.

- روح پژوهش‌گری را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کنید.
- از ایجاد رقابت منفی بین دانش‌آموزان به شدت بپرهیزید.
- قدرت تخیل دانش‌آموزان را تقویت کنید.
- از وسایل کمک آموزشی بیش‌ترین استفاده را بکنید.
- اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت کنید.
- برای دانش‌آموزان، متناسب با سن و نیازشان، آرمان‌سازی کنید.
- روحیه‌ی پرسش‌گری را در آن‌ها تقویت کنید
- کلاس درس را به‌طور مشارکتی اداره کنید و همواره به این نکته توجه داشته باشید که کلاس شرکت‌سپه‌امی فکر است.
- دانش‌آموزان را به شرکت در کلاس‌های هنری مثل خط، نقاشی، موسیقی، و عکاسی... تشویق کنید.
- محیط کلاس را با نشاط کنید؛ زیرا نشاط باعث خلاقیت می‌شود.
- واقعیت‌های اجتماعی را متناسب با سن دانش‌آموزان بیان کنید.
- به دانش‌آموزان تفهیم کنید که چشم می‌تواند بهتر ببیند، گوش می‌تواند بهتر بشنود و... بدین ترتیب قوای ظاهری و احساس آن‌ها را تقویت کنید؛ زیرا تمرکز حواس باعث حواس خلاقیت می‌شود.
- به دانش‌آموزان یاد دهید که از طریق حفظ

کردن اشعار، گزارش نویسی، خلاصه‌نویسی و... حافظه‌ی خود را تقویت کنند؛ زیرا تقویت حافظه باعث تقویت خلاقیت می‌شود (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷).

ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان خلاق

مک کینون (۱۹۶۲) در مطالعه‌ای به بررسی، ویژگی‌های دانش‌آموزان خلاق پرداخت و چنین نتیجه گرفت:

۱. دانش‌آموزان خلاق تصویر مثبتی از خود دارند.
۲. آن‌ها قوه‌ی تخیل قوی دارند.
۳. دیگر ویژگی بارز این دانش‌آموزان، جرئت‌مندی است.
۴. به ریسک کردن علاقه دارند.
۵. محدودیت‌ها و موانع را نمی‌پذیرند و برای انجام دادن کارهای ناممکن تلاش می‌کنند. (به نقل از دایر/ پناهی، ۱۳۸۸).
۶. کنج‌کاوند.
۷. این افراد اغلب خود را مصمم، هنرمند، منطقی، سازگار و مستقل می‌دانند (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷).

عوامل و موانع موثر در پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان

گتزلز و جکسون^۱ (۲۰۰۱) در مطالعات خود یکی از عوامل اساسی در پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان را نوع نگرش معلمان به مسئله‌ی خلاقیت می‌دانند. این دو معتقدند که اغلب افراد خلاق، کم‌تر پیرو معلم و با او هماهنگ‌اند و رفتارشان غیرقابل پیش‌بینی است.

رنزولی^۲ (۱۹۹۹) در مطالعاتی، عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت را سه عنصر مدرس، فراگیرنده و برنامه‌ی درسی می‌داند؛ بدین ترتیب، او مهم‌ترین مؤلفه‌ی پرورش خلاقیت را عملکرد مراکز آموزشی می‌داند.

یافته‌های اریک^۳ (۲۰۰۵) مؤلفه‌های پرورش خلاقیت را در دانش‌آموزان، محتوای برنامه‌ی درسی، خانواده، روش‌های تدریس

و محیط آموزشی ذکر کرده است (به نقل از خورشیدی، ۱۳۸۶). موانع مؤثر در خلاقیت دانش‌آموزان عبارت‌اند از:

- **ترس از شکست:** لازمه‌ی خلاقیت ریسک کردن و بررسی راه‌های مختلف است اما زمانی که ترس از شکست خوردن از طرف معلمان به دانش‌آموزان القا شود، میزان خلاقیت در آن‌ها کاهش می‌یابد.
- **عادت:** عادت دادن دانش‌آموزان به روش‌های تکراری حل مسئله باعث از بین رفتن خلاقیت آن‌ها می‌شود.
- **عدم اعتماد به نفس:** بسیاری از دانش‌آموزان از توانایی‌ها و استعدادهای زیادی برخوردارند اما عدم اعتماد به خود، مانع بروز قوای خلاقه‌ی آن‌ها می‌شود.
- **ترس از عدم استقلال:** ترس از تحقیر شدن توسط معلم مانع بزرگ دیگر در بروز خلاقیت و انجام دادن کارهای تازه است (به نقل از میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۷)
- برنامه‌ی درسی فشرده، همراه با مدت زمانی محدود برای ارائه درس.
- ندادن مجال بحث یا اظهار نظر به دانش‌آموزان در کلاس درس (گالاگر / مهدی‌زاده و رضوانی، ۱۳۷۷).

پی‌نوشت

1. Gatzels & Jackson
2. Renzooly
3. Eric

منابع

۱. بوزان، تونی؛ **قدرت هوش خلاق**، مترجمان: پروانه قدس و زهره زاهدی، تهران، انتشارات جیحون، ۱۳۸۷.
۲. فیشر، رابرت؛ ویلیامز، مری؛ **شکوفای سازی خلاقیت**، (مترجم: ناتالی چوبینه)، تهران، انتشارات پیک‌بهار، ۱۳۸۷.
۳. گالاگر، جیمز؛ **آموزش کودکان تیزهوش**، (مترجمان: مهدی‌زاده و احمد رضوانی)، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۴. دایر، وین؛ **چگونه کودکان خلاق داشته باشیم**، مترجم: علی‌علی پناهی، تهران، نشر آگاه
۵. میرکمالی، سید محمد؛ خورشیدی، عباس؛ **روش‌های پرورش خلاقیت در نظام آموزش**، نشر یسرتون، ۱۳۸۷.